

ترجمه‌ی
علیرضا خزائی،
محمدصادق فلاح‌پور



رابط برنر



نقدی بر
مارکسیسم
نواسمیتی:
دو مقاله در باب
گذار به سرمایه‌داری

سرشناسه: برنر، رابرت

Brenner, Robert

عنوان و نام پدیدآور: نقدی بر مارکسیسم نواسمیتی: دو مقاله در باب گذار - رابرت برنر؛ ترجمه‌ی

علیرضا خزائی، محمدصادق فلاح‌پور

مشخصات نشر: تهران، نشر چرخ، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۶۱ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۵-۵۲-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه‌ی دو مقاله از رابرت برنر است.

موضوع: مارکسیسم -- نقد و تفسیر

موضوع: Marxism -- Criticism and interpretation

موضوع: سرمایه‌داری

موضوع: Capitalism

شناسه‌ی افزوده: فلاح‌پور، محمدصادق، ۱۳۷۰، مترجم

شناسه‌ی افزوده: خزائی، علیرضا، ۱۳۶۹، مترجم

رده‌بندی کنگره: HX۳۸۵/۲

رده‌بندی دیویی: ۳۳۵/۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۹۳۳۲۲۸

رده‌بندی نشر چشمه: علوم انسانی - مطالعات اقتصادی

نقدی بر مارکسیسم نوآسمیتی
- دو مقاله در باب گذار به سرمایه‌داری -
رابرت برنر

ترجمه‌ی علیرضا خزانی، محمدصادق فلاح‌پور

ویراستار: حسن مرتضوی

مدیر هنری: مجید عباسی

همکاران آماده‌سازی: نینا رزندی، فاطمه پارسائی

ناظران تولید: سارنگ مؤید، میثم باقری

چاپ و صحافی: دارا

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چرخ است.

هرگونه کپی‌برداری و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۵-۵۲-۹

دفتر مرکزی نشر چشمه، تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ - کتاب‌فروشی نشر چشمه، گرم‌خان، تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای
شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۰۷۷۶۶ - کتاب‌فروشی نشر چشمه، کوروش، تهران، بزرگراه ستاری
شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع جباری ک. س. طبقه پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ -
کتاب‌فروشی نشر چشمه، آرن، تهران، شهرک قدس، برج ۱، طبقه ۳، واحد ۳۰۶. تلفن: ۷۵۹۳۵۲۶ - کتاب‌فروشی
حافظی، نبش خیابان فخارمقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه ۳، واحد ۳۰۶. تلفن: ۷۵۹۳۵۲۶ - کتاب‌فروشی
نشر چشمه، بابل: بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل. تلفن: ۳۲۴۷۶۵۷۱ (۰۱۱) -
کتاب‌فروشی نشر چشمه، کارگر: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ - کتاب‌فروشی نشر چشمه، پریس، تهران، خیابان سیدالانجلی، نبش گلستان یکم،
مجتمع پریس، طبقه دوم. تلفن: ۹۱۰۱۲۵۸ - کتاب‌فروشی نشر چشمه، سیدالشهدا، مشهد، بلوار
وکیل آباد، بین وکیل آباد ۱۸ و ۲۰ (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: ۵۵۸۷، ۳۸۶ (۰۵۳)

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

تلفن پخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

فهرست

۷

مقدمه‌ی مترجمان

۱۵

خاستگاه‌های توسعه‌ی سرمایه‌داری: نقدی بر مارکسیسم نواسمیتی

۱۰۵

فرمان در گذار به سرمایه‌داری

۱۶۹

نمایه

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجمان

بحث گذار از فنودالیزم به سرمایه‌داری در آغاز با انتشار اثر موريس داب، مطالعاتی درباره‌ی توسعه‌ی سرمایه‌داری^۱ (۱۹۴۶)، آغاز شد و به مجادلات قلمی میان او و پل سوئیزی منجر شد. نسی از نقاط اصلی مجادله در بحث مذکور این بود که آیا باید عاملی همچون تجارت و رشد شهرها را سازوکار «درونی» فنودالیزم قلمداد کرد (طری که داب به آن متمایل بود)، یا این که تجارت در مقام عاملی «بیرونی» تعیین کننده در زوال فنودالیزم و به حرکت درآمدن پویه‌ی سرمایه‌داری ایفا کرده است (نظری که سوئیزی با آن هم‌سو بود). از نظر داب، گرچه شهرها نقش تعیین کننده در زوال فنودالیزم داشتند و پناهگاهی امن برای سرف‌های فرار از این اربابی استخوان‌شکن قلمداد می‌شدند، کماکان روستاها صحنه‌ی اصلی مبارزه‌ی طبقاتی اربابان زمین‌دار و دهقانان بودند. بعدها رادنی هیلتون نیز، در مشارکت خود در بحث گذار، تا اندازه‌ی زیادی جانب داب را گرفت و مبارزه‌ی طبقاتی را عامل تعیین کننده‌ای دانست که پویه‌ی اصلی فنودالیزم و عامل شکوفایی یا زوال آن بود. به این ترتیب، بحث درباره‌ی

۱. داب، موريس، مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری، ترجمه‌ی حبیب‌الله تیموری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.

گذار گسترش می‌یابد و دامنه‌ی بحث به ژاپن و بررسی فنودالیسم ژاپنی از سوی اچ. کی. تاکاهاشی هم می‌رسد.

دور دوم بحث گذار با مقاله‌ی دوران‌ساز رابرت برنر با عنوان «ساختار طبقاتی کشاورزی و توسعه‌ی اقتصادی اروپای پیشاصنعتی» (۱۹۷۶) آغاز می‌شود که مباحث این دوره بین برنر و سایر نظریه‌پردازان به بحث برنر موسوم شده است.^۱ در این دور از مباحث، برنر به نقد دو جریانی می‌پردازد که در طول دو دهه‌ی پیش از آن به جریان غالب تبیین تغییرات اقتصادی بدل شده بودند، نخست جریانی که گذار را با الگوی تجاری تبیین می‌کند، و دوم، جریانی که برای تبیین تغییرات بلندمدت اقتصادی بر الگوهای معین تأکید دارد. برنر با نقد خود درکی تازه از این دو جریان ارائه می‌دهد که گذار را اساساً در نسبت با «مناسبات اجتماعی مالکیت» هر جامعه تبیین می‌کند. این تلقی به‌وضوح مبتنی بر درک مارکس از «شیوه‌ی تولید» سرمایه‌داری و خاص‌بودگی‌های آن است.

از نظر برنر، «برداشت عمده از ماتریالیسم تاریخی مارکس و روند تکامل شیوه‌های تولید وجود دارد. نخست، که عمدتاً مبتنی بر متون اولیه‌ی مارکس همچون مانیفست^۲ و ایدئولوژی آلمانی^۳ است، با مایه‌ای از جبرباوری فناورانه، نیروهای مرد را واجد شایستگی می‌داند؛ گویی فناوری، جدا از مناسبات اجتماعی-اقتصادی یک جامعه و بحران‌هایی که ممکن است بر سر راهش قرار گیرد، در روندی ذاتی رو به گسترش و رشد دارد و رانه‌ی اصلی آن مفهومی انتزاعی همچون «نیوآوری ذاتی انسان» است. در این رویکرد، پس از رشد نیروهای مولد سطح پایین نیروها به نقطه‌ای تعیین‌کننده خواهد رسید که با مناسبات مالکیت موجود در جامعه در تضاد قرار می‌گیرند. حاصل این تضاد آن است که نیروهای مولد رشد یافته زنجیرهای شیوه‌ی تولید کهن را می‌گسلند و مناسبات مالکیت جدیدی را بنا می‌نهند که با سطح فعلی نیروهای مولد هم‌خوان باشد. این درک مارکس را به یک جبرباورد تکامل‌گرا بدل می‌کند که نظریه‌ی تاریخی‌اش تماماً انتزاعی

۱. رابرت برنر و دیگران، بحث برنر، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۵.

2. *The Communist Manifest* (1848)

3. *The German Ideology* (1845)

به نظر می‌رسد، چرا که پویه‌ی اصلی حرکت تاریخ در این روایت چیزی نیست مگر پنداشت و پیش‌فرضی انتزاعی از «نوآوری»، «پیشرفت»، یا میل پایان‌ناپذیر آدمی برای اکتشافات علمی و فناورانه. پیش‌فرض‌هایی که هیچ نسبتی با شرایط عینی و مادی شیوه‌های تولید مشخص (خواه فئودالیسم، خواه سرمایه‌داری) ندارند. از سوی دیگر، در این مدل، گویی این ضرورت فنی تولید است که به مناسبات کار شکل می‌دهد. مناسبات مالکیت و مناسبات طبقاتی صرفاً همچون ضمیمه‌ای به تقسیم فنی کار قلمداد می‌شوند که خود این تقسیم کار نیز صرفاً بنا بر ضرورت‌های تحولات فنی تغییر می‌کند. برنر این مدل را مدل «رشد نیروهای مولد» می‌نامد.

از نظر برنر، می‌توان روایت پخته‌تر و منسجم‌تری را در مارکس سراغ گرفت که عمدتاً بر آثار دیگرش همچون «گروندریسه»، «مقدمه‌ای درباره‌ی نقد اقتصاد سیاسی» و «سرمایه» قوام یافته است. در این مدل، هر مناسبات اقتصادی مشخصی در یک «شیوه‌ی تولید» خاص درک می‌شود. این شیوه‌ی تولید شامل مجموعه‌ای از مناسبات اجتماعی است که در پیوند با ساختار طبقاتی پویه‌ی درونی این شیوه‌ی تولید را شکل می‌دهد. در واقع، تلاش برنر برای تبیین گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری متکی بر رویکردی به ماتریالیسم تاریخی است برای تجهیز و تأقیق دستگاه مفهومی «شیوه‌ی تولید»، تا بتواند در تبیین‌های تاریخی چارچوبی بسازد که کارآمد باشد. از این روست که برنر، با مبنا قرار دادن مناسبات مالکیت میان تولیدکنندگان مستقیم از یک سو و استخراج‌کنندگان یا متصرفان مارک از سوی دیگر، در پی آن است تا با استفاده از همین چارچوب به ظاهر نسبی گویانه از مصادراته نشان بدهد که آنچه عامل تعیین‌کننده در افت و خیزهای تاریخی و مشخصاً «گذار» است برآمده از شکل مناسبات طبقاتی (ساختار طبقاتی) و متعاقباً کشمکش و تعارض ذاتی میان این طبقات است. او آن‌چه را مناسبات مالکیت شناخته می‌شود «مناسبات اجتماعی

1. Grundrisse (1857)

2. A Contribution to the Critique of Political Economy (1859)

3. The Capital (1867)

مالکیت» می‌نامد تا هم‌سو با نوع واکاوی‌اش، وجه یکسره «اجتماعی» این مناسبات را از نو برجسته کند. به نظر می‌رسد تلقی اکونومیستی و تقلیل‌گرایانه از این مناسبات به تلقی‌ای شی‌وار از مناسبات مالکیت و استخراج مازاد دامن زده است. رابطه‌ای که برنر بنابر رویکرد ماتریالیسم تاریخی میان «تولیدکنندگان مستقیم» و «تصرف‌کنندگان مازاد» می‌بیند، رابطه‌ای است اجتماعی که تعیین‌کننده و شکل‌دهنده‌ی قواعد کنش خاص این دو گروه است. این قواعد، که برنر آن‌ها را به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی مدل مفهومی خود مطرح می‌کند، «قواعد بازتولید» نام دارند. نوع رابطه‌ی میان تولیدکنندگان و تصرف‌کنندگان مازاد در هر شیوه تولید خاصی قواعد بازتولید ویژه‌ای را شکل می‌دهد که کنش‌های این دو گروه تنها در محدوده‌ی این قواعد رخ می‌دهد. تعیین کردن این «محدوده» در واقع در راستای پای‌بندی به دستگاه «شیوه‌ی تولید» است تا محدوده، که بر فرد به شکلی تاریخمند استنباط شود و نه به شکلی انتزاعی که در آن کمال‌گرایی منفرد به شکلی فراتاریخی آزادند تا فارغ از هر محدودیتی عمل کنند. از این رو، در هر شیوه‌ی تولید مشخصی، افراد برای بازتولید خود مجموعه‌ی مشخص و محدودی از راهبردها را در اختیار دارند و می‌توانند اتخاذ کنند. این راهبردها برای هر یک از گروه‌ها به معنای «عقلانی‌ترین» و «دسترس‌پذیرترین» است برای پاسخ به نیازهای‌شان است. این شیوه از پاسخ به نیازها (به بیان دیگر، بحران‌ها و چالش‌ها) «قواعد حرکت» یا «الگوهای توسعه‌محور» مشخصی را برای هر شیوه‌ی تولید خاص موجب می‌شوند. به علاوه، این قواعد بازتولید مناسبات طبقاتی خاص هر جغرافیا مشخص می‌کند که هر یک از این دو گروه در پاسخ به نیازها، الزامات و بحران‌های خاص هر شیوه‌ی تولید چه شکلی از «اجتماعات سیاسی» را «برمی‌گزینند».

با این اوصاف، هر شیوه‌ی تولید مشخصی مبتنی بر «مناسبات اجتماعی مالکیت» ویژه‌ای است که ساختار طبقاتی، قواعد بازتولید، قوانین حرکت یا الگوهای توسعه‌محور منحصر به فردی دارد. تسری دادن هر یک از این مؤلفه‌های تاریخاً مشخص از یک شیوه‌ی تولید به شیوه‌ی تولید

دیگر به معنای یک تخطی پُرپیامد و دامنه‌دار از رویکرد ماتریالیسم تاریخی است. از اساس همین گشودگی نسبت به خاص‌بودگی‌های تاریخی است که حساب ماتریالیسم تاریخی را از صرف یک الگوی نظریِ تحمیل‌شده به واقعیت جدا می‌کند. از همین رو، شیوه‌ی تولید همچون مجموعه‌ی مناسبات اجتماعی‌ای درک می‌شود که حاصل و برآیند تعارضات طبقات مختلف این شیوه‌ی تولید است که در زمینه‌ی شریاطی عینی و بیرونی قرار گرفته‌اند؛ انسان‌ها خود تاریخ‌شان را می‌سازند، اما نه آن‌گونه که می‌خواهند.^۱

ر. نظر برنر، بسط تلقی امروزی ما از ذهنیت «انسان اقتصادی» (یک تلقی ابعادی بسیار زیاد) به دورانی که مناسبات اجتماعی مالکیت متفاوتی رواج داشت، است. (از جمله فنودالیسم) خطایی پُر دامنه است که ریشه‌هایش را باید در آدام اسمیت جست. برنر الگوی تاریخی‌ای را که می‌توان از آثار اسمیت برای تبیین مکان اقتصاد، استخراج کرد «ماتریالیسم غیرتاریخی»^۲ نام‌گذاری می‌کند. غیرتاریخی، این معنا که نخست، ذهنیت کنشگران اقتصادی (یا به بیان خود برنر، «قاعده باز تولید»)^۳ در سرمایه‌داری را به تمام تاریخ بسط می‌دهد و آن را ازلی، ابدی، یس می‌کند؛ دوم و متعاقباً، بنابه همین درک غیرتاریخی، از تبیین‌گذار باز می‌ماند و آن‌چه را باید تبیین کند (یعنی گسست از شیوه‌ی تولید فنودالی و گذار به سرمایه‌داری) پیش‌فرض می‌گیرد. مطابق با این الگوی غیرتاریخی، گویی سرمایه‌داری، در «درز و ترک‌های فنودالیسم» پنهان است و تنها مترصد فرصتی برده‌شده «توانع» از سر راهش کنار رود تا در جامه‌ی طبقه‌ی پیشرو بورژوا، نسبت تاریخی گذار به سرمایه‌داری و استقرار اقتصاد مدرن را به انجام رساند.^۴

نقد اساسی برنر به آدام اسمیت صرفاً به دلیل تلقی فراتاریخی او

۱. رابرت برنر، خاستگاه سرمایه‌داری، ترجمه‌ی بهرنگ نجمی، سایت «نقد اقتصاد سیاسی»، ۱۳۹۶.

2. a historical materialism

3. rules of reproduction

۴. بنگرید به دو مقاله‌ی دیگر برنر:

"The Social Basis of Economic Development, in Analytical Marxism", edited by John Roemer, published by the Press Syndicate of the University of Cambridge, New York 1986; "Property and Progress: Where Adam Smith Went Wrong in Marxist History-Writing for the Twenty-first Century", edited by Chris Wickham, pp. 49-111, 2007.

از انسان نیست، بلکه دقیق‌تر، به این دلیل است که اسمیت عملاً موفق نمی‌شود گذار را به مثابه‌ی گسست از یک شیوه‌ی تولید به شیوه‌ی تولید دیگر تبیین کند و از همین روست که مجبور می‌شود آن را پیش‌فرض بگیرد و کلیت تاریخ را تداوم انسان اقتصادی سرمایه‌داری مدرن بداند. اسمیت از اساس هیچ دستگاه مفهومی‌ای برای به انجام رساندن این پروژه در اختیار ندارد، دستگاه مفهومی‌ای که خود برنر بر آن بوده که در هر یک از مطالعات تاریخی‌اش به تجهیز آن پردازد.

در حقیقت، اهمیت نقد برنر به اسمیت از این روست که پیش‌فرض‌های اسمیتی در عمل حتی به برخی از متفکران مارکسیست هم رخنه کرده و تبیین آن‌ها از گذار را مخدوش ساخته است. برنر این مارکسیست‌ها را مارکسیست‌های نواسمیتی نامیده است و در مقاله‌ی نخست مجلد پیش‌رو به تبیین دستگاه مفهومی آن‌ها را برای تبیین گذار واکاوی می‌کند و تناقضات و مشکلات را گوشزد می‌کند. او در این مقاله به بررسی آرای آندره گوندر فرانک^۱، پرسیزی و امانوئل والرشتاین می‌پردازد. نکته‌ی مهم دیگر مقاله این است که می‌توان آن را نقدی بنیان‌کن به نظریات وابستگی^۲ نیز تلقی کرد، نظریاتی که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به رویکردی غالب در مطالعات توسعه بدل شده بودند و از سوی دیگر، پیامدشان برای استراتژی سوسیالیستی آن بود که جنبش‌های جهان سوم به یکز اصلی مقاومت علیه سرمایه‌داری در نظر بگیرند. روی دیگر این سکه آن بود که گویی حرکتی مترقی تا اطلاع ثانوی در کشورهای سرمایه‌داری پدید نمی‌دهد، یا دست کم نباید در این بخش از جهان به انتظار بارقه‌ی نخستین یک حرکت مترقی ضد سرمایه‌داری نشست. خود برنر، در جمع‌بندی مقاله، بحث مسئله را چنین صورت‌بندی می‌کند: «مادام که ورود به بازار جهانی / تقسیم کار جهانی را، به شکلی خودکار، در به بار آوردن توسعه نیافتگی مؤثر قلمداد کنیم، نقطه‌ی مقابل توسعه‌ی سرمایه‌دارانه، از نظر منطقی، نه سوسیالیسم،

1. Robert Brenner, "The Origins of Capitalist Development: A Critique of Neo-smithian Marxism", in *New Left Review* 1/104, July and August 1977, pp. 25-92.

2. dependency theory

بلکه خودبستگی خواهد بود. پس مادامی که معتقد باشیم سرمایه‌داری صرفاً از رهگذر تحمیل فشار بر "جهان سوم" گسترش می‌یابد، نبرد اصلی را در تقابل مرکز و پیرامون و شهر و روستا تشخیص خواهیم داد، و نه پروتاریای بین‌المللی، در اتحاد با مردمان سرکوب‌شده‌ی تمامی کشورها، در مقابل بورژوازی. در واقع خطر چنین رویکردی دوگانه است از یک طرف، روزنه‌ای است برای مطرح شدن "بورژوازی ملی"، و از طرف دیگر، استراتژی‌ای غلط برای انقلاب ضدسرمایه‌داری... آن‌گاه آرمان سوسیالیسم در یک کشور - یعنی آرمان انقلاب بورژوایی می‌شود؛ با این ادعا چنین چشم‌اندازی نیز تقویت می‌شود که انقلاب علیه سرمایه‌داری تنها می‌تواند در مناطق پیرامونی ظهور کند چرا که رتاریای کشورهای مرکز عمدتاً در نتیجه‌ی انتقال مازاد از پیرامون به مرکز تسریع شده.^۱ این مقاله برای نخستین بار در ۱۹۷۷ در نشریه‌ی نیولفت رویو منتشر شد.

مقاله‌ی دومی که در این مجلد ترجمه شده مقاله‌ای است که برنر برای نخستین بار در سال ۲۰۱۱ در نشریه‌ی تغییرات کشاورزی به چاپ رسانده است.^۲ او در این مقاله به یک رویکردی می‌پردازد که از سوی منتقدان پاشنه‌ی آشیل نظریات او محسوب شده است؛ نمونه‌ی کشورهایی که در مقاطعی مشخص، از جمعیت و مناطق شهری فراوان و پیشرفته‌ای برخوردار بوده‌اند و به نظر می‌رسد تأییدی هستند بر الگویی که گسترش تجاری و گسترش شهرنشینی، به‌علاوه، برنر در این مقاله به شکلی غیرمستقیم به یکی دیگر از اتهامات وارده بر خود نیز پاسخ می‌دهد؛ این اتهام که برنر فرآیند گذار را به امری تکین، و نه یک فرایند گسترش از لحاظ جغرافیایی و تاریخی، بدل کرده است که گویی یک بار در همیشه در انگلستان رخ داده است.^۳ برنر در پاسخ تبیین می‌کند که چرا نمونه‌ی این مناطق - مناطق موسوم به فروبومان (هلند، فلاندر، بخشی

1. Robert Brenner, "The Low Countries in the Transition to Capitalism", in *Journal of Agrarian Change* 2001, vol. 1, no. 2, pp. 169-241.

۲. برای پی‌گیری بیش‌ترین نقد و سایر نقدهای مشابه بنگرید به هلر، هنری، «زایش سرمایه‌داری: از چشم‌انداز سده‌ی بیست و یکم»، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۶.

از بلژیک فعلی) — به‌رغم آن‌که در مقاطعی از تاریخ به مرکز مبادلات تجاری اروپا بدل شده بودند (همان مقاطعی که در دسته‌بندی‌های مرسوم با عنوان دوره‌ی گسترش سرمایه‌داری تجاری معرفی می‌شوند) و نیز به‌رغم آن‌که مناطق شهری پیشرفته‌ای را پرورش دادند، کماکان به شکلی از درون‌تأسی اقتصادی^۱ دچار شدند که آنان را از دست‌یابی به مدل رشد خودپایدار بازداشت. (مدلی که به اقتصاد اجازه می‌داد با افزایش بهره‌وری کشاورزی، سهم عمده‌ای از جمعیت را به بخش‌های غیرکشاورزی اقتصاد سوق دهد و هم‌پای آن‌که به صنعت اجازه‌ی گسترش می‌دهد، بازاری داخلی نیز برای محصولات آن فراهم آورد.)

مباحث مقاله‌ی نخست مستقیماً در پانویس‌ها ذکر شده‌اند، اما در مقاله‌ی دوم، منابع در انتهای متن در بخشی مجزا ضبط شده است. مطالب داخل براکت (۱) افزوده‌ی مترجمان به متن برنر یا نقل قول‌های ذکر شده از سوی اوست. اضافات و تأکیدات خود برنر در نقل قول‌ها داخل آکلاو ({} قرار گرفته‌اند. پانویس‌های افزوده شده از سوی مترجمان نیز با ذکر «م.» از سایر پانویس‌ها جدا شده‌اند. امید است که ترجمه‌ی این دست متون، به‌رغم وجود بسیاری از مطالب و جزئیات تاریخی و تخصصی، دست‌آخر در فراهم کردن اترامان^۲ اول برای طرح ماتریالیسم تاریخی به مثابه‌ی رویکردی برای مطالعه‌ی تاریخ کمک کند.

دی‌ماه ۹۸